

#### نگاه

گزارش مراسم رونمایی از کتاب «دندان گرگ» نوشته مهدی نادری

## زندگی در جنوب شهر سرشار از حوادث و وقایع دراماتیک است

جلسه رونمایی از کتاب «دندان گرگ» اولین همکاری انجمن منتقدان و نویسندگان سینمایی و کانون کارگردانان سینمای ایران از سری نشست‌های تعاملی صنف خانه سینما در سالن سیف‌الله داد خانه سینما برگزار شد. پس از مراسم امضا و اهدای کتاب جلسه معرفی کتاب و پرسش و پاسخ در سالن سیف‌الله داد با اجرای رضا صائمی، منتقد سینما و مسئول کمیته فرهنگی انجمن منتقدان و رضا درستکار، منتقد سینما، آغاز شد. رضا صائمی در مقدمه سخنانش برگزاری این سلسله جلسات تعاملی صنف سینمایی را در راستای اعتلا و ارتقای سینمای ایران و صنف سینمایی برشمرد و برای ادامه برگزاری این سلسله جلسات در سال آینده ابراز امیواری کرد.

صائمی کتاب «دندان گرگ» را یکی از معدود آثار درخشان سینمای اجتماعی ایران دانست که جلوتر از زمانه خود ایستاده. او افزود: «با توجه به مقدمه کتاب، نادری پیش از شکل‌گیری رویکرد امروزی سینمای ایران این فیلم‌نامه را برای ساخت دومین فیلم خود به نگارش درآورده. فیلم‌نامه سرشتی حساسی در کوچه‌پس‌کوچه‌های شهر دارد و متن چنان چندلایه است که کتاب از دست خواننده هر زمین گذاشته نمی‌شود و یک‌نفس تا پایان می‌روی و وقتی تمام شد، به‌سرعت شروع به خواندن دوباره کتاب کردم.» صائمی ادامه داد: «از لحاظ جامعه‌شناسی نگاه نادری به طبقه اصطلاحاً جنوب‌شهری از جنس فرومایگی نیست. شاپور فرجام هرچه را داشته، به پای ارزش‌های اخلاقی است به‌عنوان یک بزین‌بهار گذشته که اتفاقاً می‌خواهد گذشته‌اش را فراموش کند؛ اما کینه‌ای قدیمی سرنوشت دیگری برایش رقم می‌زند. با توجه به اشاره نویسنده در مقدمه کتاب و از منظر من زیست نادری را در لایه‌لایه شهر و مردمانش با طبقات و لجه‌های مختلف می‌توان فهمید. همین‌طور عمل دراماتیک او از قصه‌های خیابان کمک می‌کند که ابژه‌های جامعه‌شناسی و انسان‌شناسی در قامت کاراکتراها و فضاها مخاطبان را همراه کند. پاید اشاره کنم که پس از خواندن این فیلم‌نامه سریال اخیر «پوست شیر» به ذهن شما متبادر می‌شود و به نظر «دندان گرگ» از ظرفیت زیادی برای تبدیل‌شدن به یک فیلم یا سریال فراموش‌نشدنی دارد.»

او ادامه داد: «خون تازه‌ای در سینمای اجتماعی ما خواهد دمید و از خشونت و فقر ابتذل نمی‌سازد. تجربه من در سال‌ها مطالعات سینمایی و جامعه‌شناسی در حضور در حیطه نقد سینمایی فقدان چنین آثاری را دلالت می‌دهد. سری فیلم‌های اجتماعی دهه ۹۰ اغلب فاقد درک و چندلایگی مخصوص ژانرهای گنگستری و نوآر است. بسیاری در سطح یک صفحه حوادث و گزارش یک جنایت در طبقه متوسط باقی مانده‌اند.»

سپس رضا درستکار جملاتش را با توصیف شخصیت خود نویسنده آغاز کرد. او افزود: «در طول سال‌ها آشنایی با اولین فیلم‌های کوتاه و مستند او متوجه شدم که مهدی نادری چندوجهی به سینما و هنرهای مدرن نگاه می‌کند و در هر بار حضورش فکر نو به سینما آورده. او اولین مستندش تا اولین فیلم سینمایی‌اش که خون تازه‌ای به سینمای ایران تزریق کرد. یکی از مسائل او زبان است. سال‌ها پیش که فیلم‌نامه‌ای درباره مهاجران لهستانی برای یک تیم سرمایه‌گذاری بین‌المللی نوشت، متوجه سرعت و دقت و احاطه او به تاریخ معاصر و علاقه‌اش به چندزبانی در آثارش شدم. به خاطر منش اخلاقی‌اش متأسفانه آن چنان که باید قدر نمی‌بیند و به ارزش‌های وجود او و امثال او در این فضای سینمای ایران توجه نمی‌شود. نادری اصولاً آدم باارزشی است. آرزو می‌کنم «دندان گرگ» ساخته شود تا یک شاهکار در کنار آثار بزرگ مربوط به این طبقه ساخته شود. کتاب به شکل عجیبی از آدم‌ها و رخدادها یک حماسه شهری می‌سازد که انواع تیپ‌سازی اصیل را در آن می‌بینیم. قهرمانانش برای همیشه در ذهن مخاطب زندگی می‌کنند.»

نادری در توضیحاتش درباره زمان نگارش فیلم‌نامه و روند نگارش آن توضیح داد: «من یکی از فرزندان خانواده‌ای اهل مطالعه هستم که به موهبت وجود برادرم علیرضا نادری با ادبیات و تئاتر آشنا شدم و از آنجایی که بچه جنوب شهر تهران هستم؛ بنابراین تجربه‌های مختلفی در همه دوران زندگی داشتم، من از ضوابط خانواده بیرون زدم و سال‌ها ورزش کردم و مثل ۹۰ درصد بچه‌های جنوب شهری فوتبال و کشتی را در سطح آماتوری تجربه کردم. سال‌ها در جنوب شهر در اسلامشهر باشگاه‌داری کردم. باشگاه بوکس ما خیلی رونق داشت. طهرها که باشگاه خلوت بود، روی رینگ بوکس تئاتر تمرین می‌کردم. اغلب نمایش‌نامه‌هایی براساس زندگی مردم بود. محسن تائبنده، حسن وارسته و مرحوم شهرام عبدلی عزیز. امیر سهیلی و تعدادی از آرتیست‌های امروز سینما و تئاتر برای ورزش اتجا می‌آمدند. زندگی در جنوب شهر سرشار از حوادث و وقایع دراماتیک است که من با توجه به کتاب‌ها و نمایش‌نامه‌هایی که می‌خواندم، نریشن ذهنی ویژه‌ای داشتم. وقایع حوادث و آدم‌ها را این‌گونه می‌دیدم.»

او ادامه داد: «دلائل ساخته‌نشدن هر فیلمی هم متفاوت است. من خسته نمی‌شوم از هیچ وضعیتی. پیگیر و مصمم هستم. شاید آقای پرستویی از زبان خودشان بهتر توصیف کنند که این فیلم‌نامه چرا تا به حال ساخته نشده». در ادامه بحث، رضا صائمی موضوع بی‌هویتی در سینمای اجتماعی ایران را از منظر جامعه‌شناسی انتخابی بررسی کرد و از نمایش فقر در سینمای اجتماعی به‌عنوان فرومایگی منعقاد کرد.

در ادامه این نشست فریدون جیرانی به مسئله گفتمان غالب هر دوران اشاره کرد و کیارستمی و مجیدی و فرهادی را حاصل همین گفتمان دانست که از گفتمان پرشکوهرانه امروز جدا شده و مورد انتقاد قرار می‌گیرند. جیرانی تنها فیلم صاحب گفتمان در دهه اخیر را «برادران لایلا» ساخته سعید روستایی دانست.

در پایان رضا درستکار از حاضران و مخاطبان دعوت کرد که فیلم‌نامه «دندان گرگ» را بخوانند و از منظر زبان و لحن آن را با وجود تفاوت موضوعی با نثر ابراهیم گلستان و نویسندگان و دیالوگ‌نویسانی مثل فریدون کله و مسعود کیمیایی و نمایش‌نامه‌های علیرضا نادری مقایسه کنند. به درخواست فریدون جیرانی صحبت‌های پرویز پرستویی بخش شد که به تلاش‌های ۱۰ساله نادری برای ساخت «دندان گرگ» پرداخت و اینکه عدم درک زمانه از سبوی سرمایه‌گذاران و تهیه‌کنندگان موجب شده که به نادری ظلم شود و فیلم‌نامه‌ای با این ارزش‌ها سلاخی و ذبح شود. پرستویی در پایان اظهار امیدواری کرد که این فیلم به‌زودی ساخته خواهد شد و من وظیفه‌ام را در قبال آن انجام خواهم داد، چراکه بسیاری به شخصیت اصلی به‌عنوان یک الگوی قهرمان علاقه و اعتقاد دارم و اگر خوب چشم باز کنیم، این آدم‌ها را در اطراف خودمان خواهیم دید.

از حاضران در جلسه می‌توان به فریدون جیرانی، علی دهکردی، محمد آقازاده، حبیب احمدزاده، محسن امیریوسفی، مجید بزرگ، جابر قاسمعلی، اصغر نعیمی، علی شفیق‌زاده، رضا سبحانی، نیما عباسپور، وحید موسائیان، حمیدرضا قطبی، علنی نیک‌فثار، مهرداد غفاریزاده، نادر مقدس، نیما نادری، قدرت‌الله صلح‌میرزایی، محمد عرب‌زاده و جمعی از اهالی سینما و علاقه‌مندان اشاره کرد.

#### نقدی بر فیلم «منطقه ی مورد علاقه» به کارگردانی جانانان گلپز

# صدایی که نمی‌شنویم

#### سعید احمدی‌پویا

کامل بر اتفاقات اردوگاه دارند. هدویگ، از تعلقات و لباس‌های زندانیان به خدمتکاران خانه، بذل و بخشش می‌کند و هوس در شتا با فرزندانش در رودخانه، بقایای انسانی را در آب پیدا می‌کند اما نقطه اوج روایت، جایی است که هوس به فکر ثبت ایده خویش در راه‌اندازی کوره‌های آدم‌سوزی است و آن را ایده‌ای نوآورانه می‌نامد. همچنین از بقایای سوخته‌انسان‌ها به‌عنوان کود استفاده می‌کند که سبب سربیزی و رشد خوب گیاهان باغ شده است. در سکناس دیگر، هوس همراه با پسرش سرگرم اسب‌سواری است؛ پسرک می‌گوید که صدایی شنیده است و هوس می‌گوید صدای پرنده است. هوس دروغ نمی‌گوید و دیگر صدای شکنجه‌ها، فریادها و دردهای زندانیان را نمی‌شنود. این مردم عادی، با خو گرفتن به یک روال عادی، با جنایتی بزرگ، با مسالمت کامل زندگی می‌کنند. شیوه کارگردان، شخصیت‌پردازی شخصیت‌های روایت نیست و به حال درونی آنها نمی‌پردازد و فقط از زاویه لانگ‌شات، سعی در نشان‌دادن تصاویر زندگی این مردم عادی در این منطقه ویژه دارد که با چهره‌هایی‌شاد، به هم‌زیستی و مشارکت در جنایت مشغول هستند و البته همه افراد روایت این‌گونه نیستند. مادر هدویگ که برای دیدن دخترش آمده است و از بهشت و باغ دختر و خانواده‌اش مشغوف می‌شود، شب‌هنگام که نور آتش کوره‌ها و صدا‌های زجر آدمیان را می‌شنود، نمی‌تواند تحمل کند و بدون خداحافظی، آن



#### گفت‌وگو با حامد مختارانی، آهنگ‌ساز و گرافیس‌ت

# مولانا، میراثی از فرهنگ ایرانی

همکاری بزرگان ادبیات وهنر در پروژه «دوازده»



♦♦♦ پروژه «دوازده» جدیدترین کاری است که در دست دارید. هدف از تولید این پروژه را توضیح دهید.

پشت در دیداری که چند سال قبل با استاد نصرالله مدقالجی داشتم، تصمیم گرفتم اثری هنری را در قالب دکلمه و موسیقی با محوریت مولانا تولید کنیم. تصمیم بر آن شد که در این اثر از نمادهای فرهنگ و هنر ایرانی استفاده شود و نگاهی وسیع و بین‌المللی به این گنجینه ادبیات پارسی داشته باشیم. هدف اصلی ما میراث‌داری فرهنگی و ایجاد تعامل و شناساندن هرچه بیشتر این داشته غنی با مردمان عصر حاضر ایران و جهان است؛ چراکه این سرمایه بزرگ (مولانا) متعلق به فرهنگ ایران است و وظیفه همه ایرانیان، پاسداری از سرمایه‌های فرهنگی است. در این راستا باید بگویم «دوازده» یک پروژه چندوجهی است؛ به نحوی که به موسیقی و ادبیات، نقاشی، خطاطی و جامعه‌شناسی می‌پردازد.

♦♦♦ درباره جزئیات ساخت و عوامل همراه در پروژه دوازده بفرمایید. سعید احمدی‌پویا یک همکاری و همدلی معنوی با بزرگان و هنرمندان مطرح بوده است که همگی با شنیدن ایده کار، مشتاقانه در این پروژه حضور پیدا کردند و بدون در نظر گرفتن مادیات، تمام مهر و تجارب ارزشمند خود را برای خلق این اثر در اختیار گذاشتند. در بخش ساخت آلبوم موسیقی «دوازده»، انتخاب اشعار از دیوان غزلیات شمس تبریزی در تصحیح استاد محمدرضا شفیعی کدکنی و انتخاب استاد پروفیسور سید حسن امین با توجه به توانایی مفهومی و سیر زندگانی مولانا انجام شد. بعد از چند ماه پژوهش و بررسی، ایده‌پردازی و آهنگ‌سازی این اثر انجام شد. ضبط همه قطعات آلبوم با ساز نی و پیانو انجام شد. نوازندگی نی با خودم بود و نواختن پیانو را استاد رسول کرچی از فارغ التحصیلان رشته موسیقی دانشگاه هنر انجام داد. همچنین اشعار با صدای ماندگار استاد نصرالله مدقالجی با نهایت توجه و نظارت ایشان و نگاه ادبی دکتر علی زارغان ضبط شد و در نهایت با تجربه هنرمند گرامی محمد طه‌علی میکس و نهایی شد. در بخش تجسمی این پروژه، دوازده تابلو خط نیز با ابعاد کتیبه به قلم من ایده‌پردازی و اجرا شد که هر تابلو از لحاظ تصویری و سبب معادل شنیداری هر قطعه آهنگ است. در بخش مستند پروژه نیز نظرات و نگاه اندیشمندان، استادان ادبیات و هنرمندان مطرح گنجانده شد که با زیرنویس انگلیسی‌عرضه می‌شود و بخش ادبیات انگلیسی این پروژه نیز به همت استاد

بهشت پوشالی را ترک می‌کند. دخترک خانواده که شب‌ها نمی‌تواند بخوابد و شب‌هنگام در آن منطقه شیرینی برای مردگان یا زندانیان گرسنه می‌گذارد. برای همین است که تصاویر این دخترک با روال عادی فیلم تفاوت دارد و با فیلتر سیاه/ سفید و نگاتیو، فیلم‌برداری شده است. این دخترک با الهام از زنی به نام الکساندرا خلق شد که کارگردان در جریان تحقیقاتش، توانسته بود با الکساندریای ۹۰ساله ملاقات کند و او در ۱۲سالگی برای زندانیان گرسنه، سیب می‌گذاشته است؛ دوچرخه و لباسی که بازیگر این نقش در فیلم استفاده می‌کند، هر دو به الکساندرا تعلق داشتند. به‌جز دخترک، کودکان دیگر هوس هم در روایت هستند که ناظر خاموش تصاویر و صداها هستند و آنچه باید یاد بگیرند از والدین خود می‌آموزند. پسری که از زندانی‌کسردن و آزاردادن برادر خود لذت می‌برد و با لبخند، به خشونت‌ورزی می‌پردازد. هدف از پرش‌های زمانی و عدم رعایت توالی زمانی روایت، در خدمت بیان مضمونی خاص است و این است که هرکسی در هر بازه زمانی می‌تواند به جای هوس و خانواده‌اش قرار بگیرد و دیوارهای جهنم را تمیز و به بهشتی زینا تبدیل کند؛ همان‌طوری‌که امروز خدمتکاران، زمین‌های موزه آشپزی را تمیز می‌کنند و شیشه‌های موزه را پاک می‌کنند. درحالی که آن سوی شیشه پوتین‌ها و لباس‌های انسان‌هایی است که امروز نیستند و لکه ننگ ظلمی که به آنها شده، تا ابد پاک‌نشده‌ی است. شاید تبدیل این مکان مخوف برای موزه و بازدید و عکس‌گرفتن از آن، عادی‌سازی جایتی باشد که هوس و خانواده‌اش در کنار دیوار‌های جهنم، با لبخند و شادمانی زندگی می‌کردند. آرنت در آخر کتاب آیشمن در اورشلیم می‌نویسد: «سیاست مهدکودک نیست، در سیاست اطاعت و حمایت یکسان‌اند. همان‌طوره‌که شما حامی و مجری سیاستی بودید که نمی‌خواستست زمین را بر مردم چند ملت دیگر سهیم باشند، گویی شما و مافوق‌هائتان اساساً حق داشتید تعیین کنید که چه کسی باید یا نباید در جهان زندگی کند، ما هم به این نتیجه رسیدیم‌ه‌ایم که از هیچ‌کس، یعنی هیچ‌یک از اعضای نژاد آیشمن در اورشلیم داشت که بخواهد زمین را از شما سهیم باشند.» «منطقه مورد علاقه» سکناس افتتاحیه و پایان‌بندی فوق‌العاده‌ای دارد؛ نزدیک به دو دقیقه تصویری سیاه به نمایش گذاشته می‌شود و فقط صداها هستند؛ صداهایی که از اعماق یک سیاه‌چاله بیرون می‌آیند. روایتی از یک سیاه‌چاله که هر نوری را بلعیده است. اما این صداها هستند که هی انعکاس یافته و ادامه می‌یابند تا روایتگر رنج‌ها و دردهای آدمیانی باشد که به دست همنوع خود سوزانده شده‌اند. فیلم بیان یک روایت تاریخی نیست؛ صدای هشداری از تکرار وقوع این اتفاق‌های هولناک است؛ صدایی که نمی‌شنویم و سقوط آدمیان در سیاه‌چاله‌ها تکرار می‌شود؛ سیاه‌چاله‌ای که می‌تواند مردمان عادی را هم در خود بگیرد و از مردمان عادی هیولاهایی بسازد که زندگی همنوع خود را به مخاطره بکشد و لبخند بزند.

#### عمرات نوفل‌لوشاتو هم بهار خود را با



## در تعطیلات نوروز چه نمایش‌هایی اجرا دارند؟

ایسنا: بهار تاتار با اجرای چند اثر نمایشی همراه خواهد بود؛ نمایش‌هایی که برخی آثار تازه‌ای هستند و بعضی دیگر، نمایش‌هایی که اجرای خود را از قبل آغاز کرده‌اند و در ایام نوروز نیز روی صحنه می‌روند.

در چند سال اخیر و با شکل‌گیری تماشخانه‌های خصوصی و با توجه بیشتر به مراسم روز جهانی تاتار، سالن‌های تاتار، برخلاف دهه‌های گذشته در ایام نوروز تعطیل نبودند و برخی از آنها از روز هفتم فروردین ماه به مناسبت روز جهانی تاتار فعالیت سالانه خود را آغاز می‌کردند. اما امسال به دلیل هم‌زمان‌شدن تعطیلات نوروز با شب‌های قدر، این فعالیت، با تغییراتی همراه شده است.

نوروز امسال عموم تماشاخانه‌های دولتی تعطیل هستند و تماشاخانه سنگلج تنها سالتی است که همچنان به میزبانی نمایش «مجلس بلشوی جورکردن» به کارگردانی فرشید قلی‌پور ادامه می‌دهد. این نمایش از ۵ فروردین روی صحنه می‌رود و اجرای آن تا روز نهم ادامه دارد چراکه از این تاریخ تا روز ۱۴ فروردین سالن‌های نمایش به مناسبت شب‌های قدر تعطیل هستند. این اثر نمایشی با بازی مهشاد جتیی، ناهید دولت‌زاده، عاطفه رحمانپور، الهام رضایی و مانده عبدلی هر شب ساعت ۱۹:۳۰ و به مدت ۶۰ دقیقه روی صحنه می‌رود.

در خلاصه داستان این نمایش آمده: ما کجا فرنگ کجا؟ ما کجا طرب کجا؟ که حالا بخوایم سر اجنبی جماعت رو گرم کنیم.

عمرات نوفل‌لوشاتو هم بهار خود را با اجرای نمایش «فین جین» به کارگردانی محمود موسوی سپری می‌کنند. این نمایش که اجرای آن مدتی است آغاز شده و با استقبال تماشاگران هم روبه‌رو شده است، از روز ۴ فروردین اجرای خود را از سر می‌گیرد ولی از ۱۰ تا ۱۵ فروردین به مناسبت شب‌های قدر اجرا ندارد. این بازیگران این اثر نمایشی (به ترتیب ورود به صحنه) سیدجواد حیوی، حسین شفیعی، مسعود بهارلو، محمدهادی عطایی، الهه پورحمشید، محسن زرآبادی پور، حسین میرزاییان، حامد لطفی و علیرضا ذوالفقاری هستند. این نمایش تا ۲۲ فروردین به اجرای خود ادامه می‌دهد و هر شب ساعت ۲۱:۱۵ اجرا می‌شود.

در خلاصه داستان نمایش «فین جین» آمده: «حکایت حمام فین به روایت جن جین». اما در سالن ملک بهار یک نمایش تجربی پژوهشی با نام «او و دوستانش ۱۹۸۹» اجرا می‌شود. این اثر نمایشی به عنوان یک کار گروهی از سوم تا دهم فروردین ماه روی صحنه می‌رود. اجراگران این اثر نمایشی عبارت‌اند از: ایمان صیاد برهانی، معصومه بیگی، محسن اعتمادسعید، پویا صادقی، مصطفی هراتینی.

در خلاصه داستان این نمایش آمده: در این نمایش اجراگران، یازده داستان کوتاه را (بیکانه، آقای ماروین، گرگ و...) همراه با موسیقی (گاهی گیتار، گاهی پیانو) و نقاشی روایت می‌کنند. این اثر نمایشی موسیقایی هر شب در سه نوبت، ساعت ۲۰، ۱۸ و ۲۲ روی صحنه می‌رود. پردیس موسیقی و تئاتر باغ کتاب نیز در تعطیلات نوروز میزبان نمایش کمدی «خانه سالمندان» به کارگردانی بهزاد محمدی است. این نمایش از روز دوم فروردین اجرای خود را آغاز می‌کند و تا نهم فروردین روی صحنه می‌ماند و بعد از شب‌های قدر نیز از ۱۵ فروردین بار دیگر اجرای خود را از سر می‌گیرد. نمایش «خانه سالمندان» هر شب در دو نوبت، ساعت ۱۹ و ۲۲ روی صحنه می‌رود. عموم سالن‌های نمایشی فعالیت خود را از نیمه دوم فروردین و بعد از سپری‌شدن شب‌های قدر در سال نو آغاز می‌کنند.

فرهنگی را به اجرای زنده برسانیم.